

نگاهی به روابط ایران و اسرائیل در دولت مصدق

۳۰ تیر ۱۴۰۴ ساعت ۲۲:۳۳

در خرداد ۱۳۳۰ بود که حسین مکی وزیر امور خارجه دولت مصدق نطقی آتشین را علیه دولت ساعد مراغه‌ای در مجلس ترتیب داد. در این نطق که چندان به درازا نینجامید او به شدت علیه به رسمیت شناختن اسرائیل موضع‌گیری کرد و انجام آن را تنها پس از دریافت رشوه امکان‌پذیر دانست. او در ضمن اعلام کرد که جبهه ملی هرگز موافق به رسمیت شناختن اسرائیل نبوده و نیست.

با پایان جنگ اول جهانی و فروپاشی امپراطوری عثمانی، در برخی از مناطق آن خلا قدرت پدید آمد. یکی از این مناطق اراضی فلسطینی نشین بود که شامل مسلمانان، مسیحیان و یهودیان می‌شد. این امر بهانه را به دست دول غربی و در راس آن انگلستان داد تا با تاسیس کشوری یهود، بذری یکی از مهم‌ترین منازعات خاورمیانه در چند قرن اخیر را بکارد. این روند به خصوص با وقوع جنگ دوم جهانی و واقعه هلوکاست ابعاد جدیدی به خود گرفت و تحولات بعد از جنگ، تاسیس کشور اسرائیل را رقم زد. در این میان یکی از موضوعات مهم چگونگی شناسایی این کشور توسط سایر کشورهای منطقه خاورمیانه بود. به خصوص که تقریباً تمامی این کشورها از جمعیت گسترده مسلمان برخوردار بوده و امکان هرگونه مصالحه با اسرائیل را برای آنان سخت می‌کرد. این امر در مورد ایران نیز مصداق پیدا می‌کرد که تقریباً تمامی مردم پیرو باورهای دینی و اعتقادی اسلام بودند و شکل‌گیری چنین رژیم‌ری را نامشروع قلمداد می‌کردند.

به رسمیت شناختن اسرائیل

با این حال، به واسطه این که نظام سیاسی حاکم بر ایران برآمده از آرای مردم نبود و به نوعی قدرت‌های بزرگ آن را بر سر کار آورده بودند اسرائیل برای به رسمیت شناخته شدن چندان کار سختی در تهران نداشت. در واقع محمدرضا پهلوی که روی کار آمدنش را مدیون قدرت‌های بزرگ می‌دانست نه می‌خواست و نه می‌توانست در برابر آنان مقاومت کند. به همین واسطه اسرائیل را به محض شکل‌گیری به رسمیت شناخت. این کار را دولت ساعد مراغه‌ای انجام داد.

در شب ۱۴ اسفند سال ۱۳۲۸ش بود که هیأت دولت ایران موضوع شناسایی دوفاکتو اسرائیل را در دستور کار قرار داد و به اتفاق آراء آن را تصویب کرد. در مورد به رسمیت شناختن اسرائیل توسط دولت ایران حرف و حدیث بسیار است. برخی پرداخت رشوه به نخست وزیر وقت یعنی ساعد را مطرح می‌کنند که به وسیله یک واسط آمریکایی پرداخت شده بود. با این حال، هر چه بود محمدرضا پهلوی دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت و وقتی به نظر توده مردم نگذاشت. [\[۱\]](#)

نخست وزیر مصدق و تغییر شرایط

این ماجرا اما به همین جا ختم نشد. نهضت ملی شدن صنعت نفت و روی کار آمدن محمد مصدق سبب شد ورق برگردد. دولت محمد مصدق چون برآمده از آرای مردم بود و خواست و نظر مردم را مدنظر داشت شناسایی اسرائیل را پس گرفت. به خصوص که نهضت ملی شدن صنعت نفت با جریان‌ها و گروه‌های مذهبی نیز در ارتباط بود و رهبری آیت‌الله کاشانی هرگز نمی‌پذیرفت که مراودات میان تهران و تل‌آویو بیش از آن ادامه پیدا کند.

دوره نخست وزیری مصدق در هشتم اردیبهشت سال ۱۳۳۰ش آغاز گردید. در خرداد همین سال بود که حسین مکی وزیر امور خارجه دولت مصدق نطقی آتشین را علیه دولت ساعد مراغه‌ای در مجلس ترتیب داد. در این نطق که چندان به درازا نینجامید او به شدت علیه به رسمیت شناختن اسرائیل موضع‌گیری کرد و انجام آن را تنها پس از دریافت رشوه امکان‌پذیر دانست. او در ضمن اعلام کرد که جبهه ملی هرگز موافق به رسمیت شناختن اسرائیل نبوده و نیست. به این ترتیب، موضع دولت مصدق در قبال مسئله منازعه فلسطین - اسرائیل مشخص شد به خصوص که از حسین مکی به عنوان دست راست مصدق یاد می‌شد و موضع‌گیری او نگاه مصدق به مسئله را منعکس می‌کرد.^[۲]

در پی این عدم شناسایی بود که ایران نماینده خود را از سرزمین‌های فلسطینی فرا خواند. در این مقطع، رضا صفی‌نیا عهده‌دار این مسئولیت بود و مسائل مربوط به ایرانیان مقیم فلسطین را پیگیری می‌کرد. به این ترتیب، اولین قدم در راه الغای شناسایی اسرائیل برداشته شد. با بازگشت نماینده ایران از سرزمین‌های اشغالی، وزیر مختار ایران در اردن مسئولیت پیگیری حقوق اتباع ایرانی در اسرائیل شد که در مجموع تعداد آنان به ۳۰۰ نفر هم نمی‌رسید. خبر منحل شدن کنسولگری ایران در اسرائیل بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های عربی داشت و رهبران کشورهای اسلامی از آن استقبال کردند. دولت ایران تنها به این اقدام اکتفا نکرد و اعلام کرد که از پذیرش نماینده اسرائیل در ایران اجتناب خواهد کرد و به این ترتیب روابط سیاسی ایران و اسرائیل به طور کامل قطع شد.^[۳]

روابط تجاری محدود به بخش خصوصی

در مورد مراودات تجاری نیز باید گفت که حجم مشخصی از روابط تجاری میان اتباع دو کشور وجود داشت و چون بیشتر مناسبات میان بخش خصوصی دو طرف انجام می‌شد در فاصله سال‌های ۱۳۲۹ش تا ۱۳۳۱ش وقفه اتفاق نیفتاد. البته شرایط در منطقه جنگی بود و این احتمال وجود دارد که روابط تجاری میان دو طرف در حجم چندان گسترده‌ای انجام نشده است. با این حال، به گفته خلیل افرا یکی از تجار ایرانی طبق آمار گمرکی، در اردیبهشت سال ۱۳۳۱ش میزان صادراتی که از ایران به اسرائیل می‌شد از میزان صادراتی که از ایران به آمریکا می‌شد هم بیشتر است. به نظر می‌رسد که جاذبه تجاری میان طرفین آن قدر بوده که بازرگانان دو کشور تمایل داشته باشد که تجارت خود با یکدیگر را حتی در شرایط جنگی ادامه دهند. به خصوص که فاصله میان دو کشور نسبت به قاره اروپا و آمریکا کمتر بود و مراودات تجاری با هزینه کمتری صورت می‌پذیرفت.^[۴]

در همین حال، در مورد روابط تجاری میان دو دولت در دوران نخست وزیری محمد مصدق، حرف و حدیث بسیار است. برخی از قرارداد نیم میلیون دلاری میان طرفین صحبت می‌کنند که این امکان را برای اسرائیل فراهم می‌ساخت تا در ازای دریافت مقداری نفت از ایران برخی از اقلام مورد نیاز تهران را تامین کند. با این حال، در مورد نحوه اجرا و این که آیا این قرارداد در نهایت با توجه به انعکاس آن در جراید بین‌المللی به سرانجام رسید یا نه اختلاف نظر است. در واقع در مورد این قرارداد شواهد و قرائن چندان محکمی در دست نیست و این که آیا واقعا این توافق به مرحله اجرا درآمده باشد جای شک و تردید است.^[۵]

این روند ادامه پیدا کرد تا این که در نهایت کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ش رخ داد و دولت قانونی وقت یعنی دولت محمد مصدق از قدرت ساقط شد و به این ترتیب فصلی جدید در روابط ایران و اسرائیل آغاز گردید که تا پایان دوران سلطنت محمدرضا شاه ادامه پیدا کرد.

[۱] مرتضی قانون، دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در دوره پهلوی، تهران، نشر طبرستان، ۱۳۸۱، ص ۱۹۳.

[۲] مسعود کوهستانی نژاد، روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت محمد مصدق، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۶.

[۳] مسعود کوهستانی نژاد، روابط ایران و اسرائیل در دوره دولت محمد مصدق، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۵، ص ۱۳۸۲، ص ۱۱۴.

[۴] همان، ص ۱۳۶-۱۳۵.

[۵] همان ۱۴۲-۱۴۱.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۵۰۱۴۸/مصدق-دولت-اسرائیل-ایران-روابط-نگاهی>